



لحظه‌ای وقفه تصمیم بگیرند که فردا نیز خیلی دیر است، و آن خطر عبارت است از تکیون حاکمیت زور در جامعه که لازمه همه نظام‌های تک‌حزبی در جوامع است، و مردم ما خاطراتی بسیار تلخ از رژیم تک‌حزبی طاغوتی دارند، که عقل منصف آن بی‌پرده اعلام کرد هرکس قبول ندارد بدون عوارض پاسپورت بگیرد و از مملکت برود و دیدیم که چه کسی به خاطر این جنایت قبل از همه رفت... مردم ما می‌دانند سعی بلیغ متولیان بر این است که بر همه مشاغل مسئولان حزبی گمارده شود و خدا می‌داند اگر چشمه را با بیسل نگیریم و صبر کنیم تا پر شود، گذشتن با پیل هم ممکن نیست، همین حاکمیت تک‌حزبی است که دشمن آزادی‌های مشروع است، و همین حکومت تک‌حزبی است که صدای پای فاشیسم را از نزدیک به گوش می‌رساند... و در بخش دیگری پیشنهاد می‌دهد: «اگر روزی یکی از مسئولان قضایی که من در مجلس شورای اسلامی از آقای دادستان کل انقلاب و یا بزرگترین مقام قضایی کشور دعوت کردم که به مناظره بنشینیم و برای یک بار ملت خود را به تماشا و امام امت را به قضاوت بخوانیم تا بداند قانون در این مملکت بی‌اعتبارتر از هر بی‌اعتباری است.»

▼ ناگهان پایان

در ماه‌هایی که اختلاف‌نظرها با لاهوتی در اوج قرار داشته، چهارم آبان ۱۳۶۰ پسرش وحید به علت ارتباط با سازمان مجاهدین خلق بازداشت می‌شود و دو روز بعد دادستانی انقلاب دستور بازداشت حسن لاهوتی را هم صادر می‌کند. ماجرای بازداشت را اکبر هاشمی‌فسنجانی که پس از انقلاب ارتباط خانوادگی هم با لاهوتی پیدا کرده بود، در خاطرات خود و در خاطره روز ۶ آبان ۱۳۶۰ اینگونه بیان کرده است: «ساعت سه بعدازظهر خبر دادند که از طرف دادستانی انقلاب به خانه آقای [حسن] لاهوتی ریخته‌اند و خانه را تفتیش می‌کنند. به آقای [اسدالله] لاجوردی گفتم با توجه به سوابق و مبارزات آقای لاهوتی بی‌حرمی نشود. گفت: دنبال مدارک وحید [لاهوئی] هستنند. اول شب اطلاع دادند که آقای لاهوتی را به زندان برده‌اند و احقاد هم تماس گرفت و ناراحت بود. قرار شد بگویم ایشان را آزاد کنند. آقای لاجوردی پیدا نشد، به آقای [سیدحسین] موسوی‌تبریزی دادستان کل انقلاب گفتم و قرار شد فوراً آزاد کنند. احمدآقا گفت: امام هم از شنیدن خبر ناراحت شده‌اند.»

لاهوئی ششم آبان بازداشت می‌شود اما چند ساعت بعد خیر درگذشت او از زندان اوین بیرون می‌آید. هاشمی‌فسنجانی در خاطره روز ۷ آبان خود نوشته است: «اول وقت بعد از نماز و کمی مطالعه، غفت تلفنی اطلاع داد که آقای لاهوتی را دیشب به بیمارستان قلب برده‌اند. بلافاصله تلفن زد و گفت از دنیا رفته‌اند. تماس گرفتم، معلوم شد صحت دارد. آقای لاجوردی، دادستان انقلاب تهران گفت: آقای لاهوتی اتهامی نداشته‌اند و برای توضیح مدارک مربوط به وحید آمده بودند که به محض ورود به زندان دچار سکته قلبی شده و معالجات بی‌اثر مانده است.» اما در ادامه خاطره این روز، هاشمی نکته مهمی را بیان کرده و گفته که قصد داشتند پیکر لاهوتی را بدون اطلاع به خاک بسپارند، او گفته است: «درباره کیفیت دفن آقای لاهوتی مشورت‌هایی شد. قرار شد روابط عمومی مجلس اعلان کند. دادستانی می‌خواست بدون اطلاع به قبرستان ببرد، موافقت نکردم.»

پرونده زندگی حسن لاهوتی اشکوری هر چند در تاریخ ۷ آبان ۱۳۶۰ بسته شد، اما نوع مرگ او به‌گونه‌ای بود که ابهاماتی را ایجاد کرد و این ادعا مطرح شد که لاهوتی در زندان اوین به قتل رسیده است اما نه برای مرگ طبیعی او و نه برای تئوری به قتل رسیدنش، سند رسمی منتشر نشد تا پایان حیات او در ابهام باقی بماند.

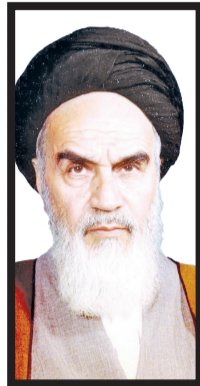
در دیدار با پرسنل سپاه پاسداران مرکز تهران جمله‌هایی را بیان می‌کند که نشان می‌دهد احتمال اینکه موضوع دیگری درباره استعفا در میان باشد و بحث بیماری بهانه بوده، وجود دارد. امام در این دیدار می‌گوید: «ایشان هم اگر کسالت دارند شما نباید اصرار بکنید که یک نفر آدمی که قلبش در خطر است و باید برود در خارج معالجه بکند، شما اصرار کنید که نه، باید تو باشی و غیر از تو هم نمی‌شود... شما بعدها ایشان را لازم دارید. از این جهت من تا حالا جواب ایشان را ندادم. ایشان هم نیامده‌اند تا حالا پیش من که ببینم که مسئله همان مسئله کسالت است یا مسائل دیگری هست.»

پس از استعفا و جدا شدن از سپاه، او فعالیت سیاسی را رها نمی‌کند و در اسفند ۱۳۵۸ با کاندیداتوری در انتخابات مجلس اول، از شهر رشت راهی این دوره از مجلس می‌شود اما این حضور آغاز دوره جدیدی از زندگی حسن لاهوتی است.

▼ سال‌های نمایندگی

با آغاز دوره نمایندگی حسن لاهوتی در مجلس، مخالفت‌ها با اظهارنظرهای او آغاز می‌شود و لاهوتی مخالف برخی حرکت‌هایی می‌شود که از سوی اکثریت مجلس صورت می‌پذیرفت که یکی از شاخص‌ترین آنها در ماجرای عزل بنی‌صدر رخ می‌دهد که او صحن مجلس را در کنار اعضای نهضت آزادی ترک می‌کند. در مسیر مخالفت با لاهوتی، سال‌های نمایندگی او در مجلس، حرکتی علیه‌اش صورت می‌گیرد که یکی از مهم‌ترین این حرکت‌ها در روز ۲۵ بهمن ۱۳۵۹ بوده است. ماجرا از این قرار بوده که حسن لاهوتی برای سخنرانی در حوزه انتخابیه خود به مسجد جامع کویصفهان می‌رود اما عده‌ای چماق‌دار حین سخنرانی به او حمله کرده، محافظش را محروم می‌کنند و لاهوتی را برای ساعاتی در مسجد زندانی می‌کنند. این حمله تا آنجا تلخ بود که سیداحمد خمینی هم وارد ماجرا شده و در نامه‌ای به این موضوع اعتراض می‌کند. در بخش ابتدایی این نامه آمده است: «عده‌ای جاهل و ناگاه و یا تحریک‌شده، لاهوتی را در خط امام نمی‌دانند. کسی را در خط امام نمی‌دانند که هنوز یک هفته از عبارت امام که است... ساعات‌ها او را در مسجد، در خانه خدا زندانی می‌کنند. در و پنجره مسجد را می‌شکنند که عمال شاه در طول ۲۷ سال سلطنت دست به چنین کاری زدند. چگونه می‌شود عمق فاجعه را ترسیم کرد.» اما احمد خمینی در ادامه این نامه، اظهار تندی را به مسئولان وقت می‌دهد: «من به‌هیچ‌وجه کاری با آقای لاهوتی که امروز بر سر او می‌آید ندارم ولی به سکوت مبارزین دیروز شدیداً اعتراض دارم... چرا مسئولین مملکت در این باره هیچ چیزی نمی‌گویند؟ چرا چماق‌داران را دستگیر نمی‌کنند و در مقابل مردم ستم‌دیده و ستم‌کشیده که تازه از زیر یوغ چماق‌داران رژیم پهلوی نجات یافته است، محاکمه نمی‌کنند؟ چرا در این زمینه ساکتند؟ اگر امروز جلوی این از خدا بی‌خبران را بگیریم فردا نوبت افراد دیگری می‌رسد.»

همانطور که مشخص است، لاهوتی در سال‌های نمایندگی تبدیل به مخالف برخی جریان‌ها در سال‌های ابتدایی انقلاب شده بود و این مخالفت را به‌صورت علنی بیان می‌کرد؛ چنانچه در ماجرای توقیف روزنامه میزان (نشریه نهضت آزادی) و بازداشت رضا صدر، مدیرمسئول این روزنامه، لاهوتی اطلاعیه‌ای در اعتراض به این رویه صادر می‌کند که بخش‌هایی از آن نکته‌هایی را دارد که نگاه او را به‌خوبی نشان می‌دهد. لاهوتی در ابتدای نامه خود نوشته بود: «مقتضی می‌دانم بدین مناسبت چند جمله با برادران و خواهران عزیزم بگویم تا متوجه خطراتی که در جامعه انقلابی ما وجود دارد بشوند و برای دفع و رفع خطر بدون



امام خمینی: این آقا (حسن لاهوتی) که نور چشم من است و سابقه دارم با ایشان سال‌های طولانی، و اینقدر رنج‌دیده است از این رژیم فاسد که الان کسی به من گفت ایشان باز آثار آن شکنجه‌ها در بدنش هست، و مقاومت کرده، این آقا را قدرش را بدانید، این یک آدم معمولی نیست، یک آدم زاید بر معمول است / دوم مهرماه ۱۳۵۸

▼ اتحاد در انقلاب

یکی دیگر از نکته‌های مهم درباره حسن لاهوتی، تأکیدی است که او در مدت مبارزه روی موضوع اتحاد داشته است، در همین ارتباط آیت‌الله مهدوی‌کنی خاطره‌ای را از اختلاف‌نظر حسن لاهوتی و آیت‌الله مرتضی مطهری بیان کرده است. او در کتاب خاطرات خود نوشته است: «من قبل از انقلاب پنج شب آقای مطهری را به مسجدمان -مسجد جلیلی- دعوت کردم. در آن جلسات، دانشجویان و جوانان حضور فعال داشتند. در آنجا جناب آقای مطهری بحثی را تحت عنوان علل گریز از ایمان مطرح کردند که بعداً در کتابی به نام «علل گرایش به مادیگری» چاپ شد. ایشان علل مادیگری و گریز از ایمان را به صورت علمی بیان می‌کردند و بحث‌ها و نقدهای علمی را بر مسائل الحادی و ماتریالیستی و کمونیستی مطرح می‌کردند. شبی از آن شب‌ها، آقای لاهوتی در آن جلسه حضور داشت، خیلی از این بحث‌ها ناراحت بود. می‌گفت آقای مطهری چه می‌گوید؟ چرا از این حرف‌ها می‌زند؟ الان موقع این حرف‌ها نیست. ما یک دشمن مشترک داریم و آن شاه است. باید با او جنگید، ما نباید حرف‌هایی بزیم که کمونیست‌ها و جوان‌های روشنفکر و مجاهدین را ناراحت کند. ما باید برویم و از روی هدف مشترک با آن جنگیم. بنده به ایشان گفتم وقتی که آقای مطهری آمد به خودش بگو، چرا پای منبر نق می‌زنی، صبر کن پایین بیاید، با خودش صحبت کن. آقای مطهری از منبر پایین آمد. آقای لاهوتی گفتند: آقای مطهری! من به شما اعتراض دارم. بحث‌هایی که شما می‌کنید لغو است. الان موقع این بحث‌ها نیست. ما یک دشمن مشترک داریم و آن شاه است، همه ما باید در مقابل او قرار بگیریم؛ کمونیست، غیرکمونیست، خدایپرست، غیرخدایپرست، مسلمان و غیرمسلمان! همه باید با هم آن هدف را بزیم تا از بین برود، بعد می‌نشینیم بحث می‌کنیم.» به‌رغم این حرف‌ها در زندان وقتی موضوع نجس اعلام شدن مارکسیست‌های مجاهد خلق مطرح شد، او هم در کنار «اصحاب فتوا» قرار گرفت.

به هر ترتیب، پس از تحمل کردن سال‌ها زندان، حسن لاهوتی هم در پاییز ۱۳۵۷ از زندان آزاد می‌شود و چند وقت بعد، راهی پاریس شده تا در کنار آیت‌الله سیدروح‌الله خمینی که آخرین هفته‌های تبعید را پشت سر می‌گذاشت قرار بگیرد و در نهایت همراه با او به تهران برمی‌گردد.

▼ سال‌های پس از انقلاب

▼ از سپاه تا مجلس

نزدیک بودن و اطمینانی که امام به حسن لاهوتی اشکوری داشت، منجر به این شد که در ۲۵ شهریور ۱۳۵۸ حکم مهمی را از سوی بنیانگذار انقلاب دریافت کند و امام او را به سرپرستی سپاه پاسداران منصوب کرده و همچنین به او دستور دهد تا در جلسه‌های شورای عالی هماهنگی و تصمیم‌گیری سپاه شرکت کرده، بر کار آنها نظارت داشته باشد و گزارش کار سپاه را هر هفته به امام بدهد. حکمی که بیانگر خوبی است از اینکه لاهوتی چه جایگاه ویژه‌ای نزد امام داشته و سطح اطمینان به او چقدر بالا بوده است. ۵ روز بعد از این حکم، امام دیداری با فرماندهان سپاه برگزار می‌کند و در آن دیدار مهر تأیید نهایی را درباره حسن لاهوتی می‌زند و او را نور چشم خود معرفی می‌کند اما حضور لاهوتی در این سمت چندان طولانی نمی‌شود و او چند ماه بعد تصمیم به استعفا می‌گیرد. لاهوتی هر چند در نامه استعفا خود علت استعفا را به «عللی از جمله کسالت قلبی» مربوط می‌داند اما ۴ آذر همان سال امام

احزاب



صرفاً از نامزدهای اصلاح طلب با سابقه روشن حمایت می‌کنیم

سیدحسین مرعشی، در جلسه شورای مرکزی کارگزاران سازندگی ایران گفت: «در شرایط پیچیده امروز جهان به‌ویژه منطقه خاورمیانه، در برابر تهدیدهای فزاینده نظامی هیچ سلاح بازدارنده‌ای جز یک انتخابات باز و رقابتی با مشارکت بالای مردم نمی‌تواند امنیت ملی ایران را تضمین کند. «وی بیان این که حاکمیت به‌درک درستی از اهمیت مشارکت مردم رسیده است، تأکید کرد: «لازمه یک انتخاب پرنشاط، فضای باز سیاسی و تأیید صلاحیت نامزدهایی با گرایش‌های مختلف است. «مرعشی با ابراز شرمندگی از مردم بابت آن چه تورم ۴۰ درصدی در چهار سال گذشته و مدیریت‌های غلط در حوزه‌های مختلف خواند، از روند بررسی صلاحیت‌ها توسط شورای نگهبان انتقاد کرد و گفت: «در این شرایط از ما به‌عنوان کارگزاران سازندگی ایران تنها در درون حاکمیت امکان‌هایی برای اثرگذاری در جهت بهبود وضعیت کنونی وجود دارد. از این جهت انتخابات در هر شرایطی امکان مهمی محسوب می‌شود.» دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران در واکنش به کسانی که معتقدند کاهش مشارکت منجر به شلخته شدن صداها و انجام اصلاحات می‌شود، خاطر نشان کرد: «تجربه نشان می‌دهد که اینگونه نیست و گفت که براساس این تحلیل، پیشنهاد ما حضور در حوزه‌های انتخابیه‌ای است که نامزد حزبی یا غیرحزبی تأییدصلاحیت‌شده با سوابق روشن اصلاح‌طلبانه داشته باشد و بتوانیم در برابر مردم از عملکرد گذشته و آینده آن‌ها دفاع کنیم.» در این جلسه به پیشنهاد دبیرکل حزب و با رای اعضا، مصوب شد که کارگزاران صرفاً در حوزه‌هایی از انتخابات مجلس شورای اسلامی فعال باشد که نامزد حزبی یا نامزدی با سوابق روشن و قابل دفاع اصلاح‌طلبانه تأییدصلاحیت‌شده باشند.



بعید است که لیست کامل بدهیم

محمدصادق جوادی حصار، سخنگوی حزب اعتماد ملی در گفت‌وگو با ایسنا درباره جلسات برخی احزاب اصلاح‌طلب با اعتدال و توسعه و حامیان لاریجانی، گفت: «این جلسات برای بررسی شرایط سیاسی کشور برگزار می‌شود. این جلسات با حضور حزب کارگزاران، اعتماد ملی، ندای ایرانیان، اعتدال و توسعه و افراد نزدیک به علی لاریجانی برگزار می‌شود. اگر شرایط به‌گونه‌ای باشد که بتوانیم لیست بدهیم، ممکن است یک لیست با حضور ۱۰ یا ۱۵ نفر در تهران ارائه کنیم ولی خیلی بعید است که در شرایط فعلی بتوانیم لیست کامل بدهیم؛ زیرا کاندیدای نام‌آشنا و رای‌آور خیلی کم داریم. ممکن است افراد فرهیخته‌ای باشند که تأییدصلاحیت شده باشند ولی آن‌ها تمایلی برای حضور در لیست نداشته باشند و احزاب هم با آن‌ها ارتباط نگرفته باشند. تصور می‌کنم دست‌مان خیلی برای ارائه لیست قوی و رقابتی باز نیست و بعید است که بتوانیم لیست کامل در تهران ارائه کنیم.» وی درباره گفت‌وگو اصلاح‌طلبان با اعتدال و توسعه و نزدیکان لاریجانی، خاطر نشان کرد: «ما هیچگاه باب گفت‌وگو را نبسته‌ایم و در سال‌های گذشته با اصولگرایان گفت‌وگو داشته‌ایم. بحث این است که افراد حاضر به بازاندیشی درباره دیدگاه‌های خود هستند یا نه. حسن روحانی عضو جامعه روحانیت بود اما گفت که حاضرم حرف بزیم و حرف شما را هم بشنومیم. ناطق‌نوری که زمانی رقیب انتخاباتی خاتمی بود، در دیدگاه‌های خود بازنگری کرد و مصالح عمومی کشور را به مصالح جناحی ترجیح داد. او الان مورد حمایت، تأیید و مشورت اصلاح‌طلبان بوده و عضو جامعه اصلاح‌گران در کشور محسوب می‌شود. لاریجانی هم فهمید که ما چرا فریاد می‌زدیم که دایره خودی و غیر خودی انتها ندارد. او شاید الان فهمیده است که باید توانایی‌های خود را بسنجد که به همین دلیل باب گفت‌وگو اصلاح‌طلبان با این جریان‌ها باز است.» جوادی حصار با اشاره به این که «الان هم نباید مثل آن دوره عمل کرد»، گفت: «اگر قرار به ارائه لیست مشترک باشد، باید بین این احزاب اساسنامه، مرامنامه و تفاهم‌نامه روشنی به امضا برسد تا اگر شکست خوردند، بدانند که به تنهایی شکست نخورده‌اند و اگر پیروز شوند هم بدانند به تنهایی موفق نشده‌اند.»

